

# از زندگی زنان مطلقه یا بیوه چه می دانیم؟



## “ کار ” مشکلی بنام - قسمت اول

### روزنامه نگار \_ نوشین پیروز

درسال های اخیر، فعالیت های زیادی در ایران، برای دفاع از حقوق زنان بی سرپرست، سرپرست خانواده، زنان بیوه و دست یابی به حقوق اجتماعی این گروه از زنان انجام شده است که با توجه به کمبودها و سختی های موجود در ایران، هنوز جای فعالیت بسیاری باقی است.

قوانین خوب مربوط به امور زنان فراوان هستند، اما در بطن جامعه هنوز بی قانونی موج می زند. در مواردی که قانون وجود دارد، مانند اصل بیست و یکم قانون اساسی (۱) که درباره امور مربوط به زنان و کودکان بی سرپرست وضع شده نیز ضمانت اجرایی کافی برای قانون وجود ندارد یا بسیاری از زنان از حقوق خود مطلع نیستند. آنها حتی به سازمان بهزیستی یا کمیته امداد امام خمینی برای دریافت کمک های احتمالی مراجعه نمی کنند.

ازطرفی قوانین نانوشته ای با ریشه های فرهنگی، سنتی، مذهبی در ایران وجود دارند، که برعکس، در هیچ جا به صورت تبصره و پاراگراف نوشته نشده، اما اجرا می شوند.

هم زمان با بالا رفتن آمار طلاق و پایین آمدن سن طلاق در میان زنان از یک طرف و با گرانی و بالا رفتن هزینه تامین زندگی و مشکلات بیکاری از طرف دیگر؛ هرروز شاهد بالا رفتن آمار تن فروشی، اعتیاد، کارتن خوابی، بخصوص در بین این گروه خاص از زنان هستیم. درایران آمار دقیقی در مورد میزان اعتیاد و یا تن فروشی و یا تعداد زنان کارتن خواب به ویژه آمار کسانی که بعد از جدایی به این تعداد اضافه شده اند وجود ندارد. تنها آمارهایی محدود، درباره وضعیت زنان سرپرست خانوار وجود دارد که به اوضاع بد شرایط زندگی این زنان وجود دارد.

معاون رئیس جمهور در امور زنان درباره زنان سرپرست خانوار می گوید: “شهیندخت مولاوردی”

طبق آمار سرشماری سال ۰۹، ۱۰۱۲ درصد زنان شاغل، سرپرست خانوار هستند که از این میزان ۸۲ درصد بیکارند که می تواند «(۲)» تبعات و آسیب های اجتماعی به دنبال داشته باشد.

معاون حقوقی و امور مجلس کمیته امداد امام هم درباره افزایش تعداد زنان سرپرست خانوار در ایران هشدار “منصور قمشه ای” همچنین داده می گوید:

ها، تعداد زنان بیینی ۲۱ درصد رسید و براساس پیش/۶ درصد زنان سرپرست خانوار بودند. این آمار در سال ۱۹ به ۵/در سال ۵۸، ۵ «رسد.سرپرست خانوار در سال ۵۹ به ۵۱ درصد می

همچنین براساس این گزارش در سال ۵۷۳۱ به ازای هر سرپرست مرد ۹ سرپرست زن وجود داشت که این نسبت در سال ۰۹ به ازای هر سرپرست مرد به ۴۱ نفر سرپرست زن رسیده است. (۳)

از میان زنانی که خواسته یا ناخواسته سرپرست خانوار شده اند، بسیاری از آنان بیوه یا مطلقه هستند.

این گروه از زنان در جامعه و در برابر قانون به عنوان انسان بزرگسال و بالغ مسئول اعمال خود محسوب می شوند. بسیاری از آنها هنوز دوره جوانی را طی نکرده و یا فرزند دارند. زندگی زنان مطلقه و یا بیوه بعد از جدایی ناگهانی تغییر می کند. به خصوص برای قشری از زنان که تا این تاریخ شغل مناسب، تحصیل یا سواد و تخصص کافی نداشته اما باید هرچه سریع تر برای به دست گرفتن اوضاع و ادامه زندگی، کار و شغلی پیدا کنند، یک مشکل بزرگ است.

های اجتماعی کمیته امداد امام درباره کمک به زنان سرپرست خانوار می گوید: «مدیرکل امور حمایت "رضا نوروزی جعفری"

نزدیک به یک میلیون زن سرپرست خانوار تحت پوشش داریم که ۱۷ درصد آنها در سنین زیر ۴۰ سالگی قرار دارند. برنامه اصلی کمیته « امداد امام خمینی برای این گروه از زنان بویژه اگر سنشان پایین تر باشد و فرزندی نداشته باشند، این است که با برنامه های مختلف (۴) « ایم. های تشویقی آنها را به چرخه طبیعی زندگی بازگرداند که تا کنون توفیقاتی نیز در این زمینه کسب کرده ای و بسته مشاوره

اما آیا واقعا زن بیوه یا مطلقه در ایران به عنوان یک انسان بالغ می تواند مستقل و تنها زندگی کرده، مسئول زندگی و پاسخ گوی رفتار و اعمال خود بدون حضور و وابستگی به هیچ مردی باشد؟

" چگونگی وضعیت زندگی یک زن بعد از جدا شدن از مرد "را می دانیم، اما پاسخ درست و منطبق بر واقعیت از "چطور باید باشد" اینکه را با نگاه به وضعیت زنان مطلقه و بیوه، مشکلات و رفتار و توقع جامعه در برابر آنها، بسیار مشکل است.

این گروه زنان هر کدام به نوعی بعد از جدایی و یا ترک و فوت همسر دچار بحران های مختلف می شوند. با افرادی در جایگاه های مختلف در اجتماع روبرو می شوند که دقیقا از همین ضعف و مشکلات آنها به نفع خود بهره برداری و سواستفاده می کنند.

در بعضی موارد، زن در چنین شرایطی، عملا آزادی و اختیاری برای اعمال و شیوه زندگی خود را به وسیله اعضاء خانواده از دست می می گیرند. دهد؛ چنین زنانی هرچند در ظاهر دارای مشکلی آشکار نیست اما به دلیل جدایی بیشتر در معرض خطر قرار

### «زن برابر نیست شوهر، با مرد بی زن بی»

آیا یک زن بیوه و یا مطلقه می تواند در شرایط مشابه مثل یک مرد، در میان جامعه ایرانی زندگی کند؟

طلاق و یا مرگ شریک زندگی اگرچه برای زن و مرد به طور یکسان بر روح و روان و زندگی هر دو اثر منفی دارد، اما در ادامه زندگی، مشکلات بعدی در زندگی مردان به بدی و تنوع مشکلات زنان نیست.

**یکی از مهم ترین و اصلی ترین دلیل مشکلات زنان، نداشتن استقلال مالی و ناکافی بودن دستمزد و حقوق آنها برای اداره زندگی است.**

مشکل مهم دیگر که در بیشتر موارد نه همیشه پیامد همان نداشتن استقلال مالی زن است، دخالت های خانواده و اقوام در سرنوشت این گروه از زنان است.

زنی که شوهرش را از دست داده در کنار همه مشکلات، باید با قوانین تقسیم ارث و نگهداری از بچه ها هم دست و پنجه نرم کند. دخالت ها و دستورها و توقع هایی که اطرافیان زن در ماه های اول که به تازگی تنها شده، از او دارند گاهی بیشتر از درد اصلی طاقت فرسا می شود.

اقوام شوهر یا زن، شروع به کنترل زندگی زن بیوه کرده، اختیار اموال، درآمد، رفت و آمد زن را کنترل می کنند. برای زن بیوه خواستگارهای عجیب و غریب و نامتعارفی می فرستند و یا اینکه زن را، علی رغم میل خودش، مجبور به ازدواج مجدد می کنند.

بپذیرد. آنها در بیرون از در دوران جدایی زن مجبور می شود یا خود را مجبور و موظف می کند که هر شرایط سخت تحمیل شده ای را خانه مورد سواستفاده افراد غریبه و در داخل خانه هم، مورد سواستفاده افراد آشنا و فامیل قرار می گیرند. گاهی تنها آزادی و حق انتخاب آنها میان بد و بدتر است.

در باره وضعیت خود به عنوان یک بیوه می گوید: "نرگس"

بعد از فوت شوهرم، برای پسر و برادر شوهر و حتی برادران و پدر خودم، تبدیل شدم به یک دختر بچه که هیچی از دنیا و روزگار و «اقتصاد نمی داند و سرش نمی شود. هرکسی به اسم کمک، می خواست در واقع سنگ خودش را به سینه بزند و جیب خودش را پر کند. دردآور اینکه می فهمیدم، اما باید ساکت می ماندم. مردم بیرون از خانه هم همینطور. به محض اینکه می فهمیدند امکان سواستفاده مالی از من وجود دارد، رحم نمی کردند. هرچه دلشان می خواست می گفتند، هرچه می خواستند انجام می دادند و در آخر با قیافه حق به جانب و مظلوم می گفتند: خودت انتخاب کن .

و لب به دندان می گزیدم . آقای مشاور شرکت ساختمان سازی، که وعده خراب کردن خانه من آنها را با چشم گریان نگاه می کردم «کلنگی و ساختن آپارتمان را می دهد، یا برادرشوهر که می خواهد کارخانه کالباس سازی باز کند، و به پول نقد نیاز دارد . آشنا یا غریبه.

زنان وقتی در این دوره مورد آزار و سواستفاده های دیگران قرار می گیرند، از ترس و عکس العمل و برخورد دیگران، مشکل پیش آمده یا سختی های طاقت فرسای زندگی شخصی خود را از همه به خصوص پسر، پدر، برادر و یا مردان فامیل پنهان کرده، سکوت می کنند. وقتی زنی بیوه یا مطلقه قربانی سواستفاده می شود، همیشه یکی از مشکلات عمده او، غیرت مردان اقوام و فامیل او است.

**اگر زن، از حمایت کافی مردان در دایره خانوار و اقوام خود برخوردار باشد، یکی از بزرگ ترین راه های سواستفاده و تهدید و آزار و اذیت آنها برای همیشه بسته خواهد شد.**

### «بازار کار برای زنان مطلقه یا بیوه»

وضعیت تاهل زنانی که می خواهند جذب بازار کار شوند در استخدام شدن یا نشدن آنها موثر است.

در شرایط ها خودداری کرده و یا کارفرما شوند، از استخدام آنها، بعد از اینکه از وضعیت تاهل متقاضی خود آگاه می بسیاری از کارفرما استخدام رسماً اعلام نمی کند، اما فقط به دنبال مجردها و از آن بهتر، زنان بیوه یا مطلقه است.

یکی از مشکلات بزرگ این گروه از زنان، پیدا کردن کار مناسب است. متأسفانه بعضی، از مستاصل ماندن زن سواستفاده می کنند. زنان را با دستمزد پایین تر از حقوق واقعی استخدام کرده، یا مثل برده از آنها در کارگاه کار می کشند. آنها را به کارهایی که تمایلی ندارند وادار کرده و یا مورد سواستفاده جنسی قرار می دهند.

زن قربانی تنها به این دلیل که خود را محتاج حقوق و دستمزد می داند، در اکثر موارد رنج و مشقت را تحمل کرده، از ترس بیکار شدن، شکایتی به نهاد های دولتی و یا مراجع قانونی نمی کند.

### «مجبور شدم»

گروه دیگر بعد از جدایی، ناخواسته و یا به اجبار، وارد دارودسته های فساد، مواد مخدر یا تن فروشی شده یا دچار اعتیاد می شوند. اینکه توان و استقامت آنها چطور و در کجا شکسته شود، به عزت نفس و اعتماد به نفس و البته وضعیت مالی و استقلال و شرایط زندگی هر یک نفر از آنها باز می گردد.

آنها نمی خواهند، اما صاحب خانه، صاحب کار، رئیس شرکت، یکی از اقوام دور، دوست فاسد، یا پیدا شدن مردی که به شکل حامی و رو برو شده ، اما در آخر قصد و نیت همه فقط سواستفاده " فقط و صرفاً برای کمک " دوست ظاهر می شود یا روبرو شدن با پیشنهاد است .

بعضی از زنان قربانی وعده های پوچ می شوند، فریب قول های دروغ را خورده، به کاری تن می دهند که خودشان هم آنرا درست نمی برای همیشه، خود را به دردسر انداخته، از چاله " فقط همین یک بار" داند و یا تمایلی به انجام آن ندارند. آنها در آخرین لحظه، با گفتن گرفتاری، به چاه عمیق تری سقوط می کنند.

می دهند و یا به طمع و به دنبال به معمولاً بعد از بار دوم، دوباره با همان روش تکراری قربانی می شوند و اشتباه بعدی و بعدی را انجام دست آوردن جایگاهی بهتر در زندگی، یا در محیط کار و یا استقلال مالی به زندگی که نمی خواهند و انواع سواستفاده ها به سکوتی تلخ و دردناک تن می دهند.

خواستم، اما مجبور شدم . چون پول نداشتم، چاره نداشتم، من نمی» اگر به سرگذشت زنان تن فروش و معتاد گوش کنیم، اغلب به جمله: بر «...ترسیدم، مجبورم کردند، خسته شدم، راهی پیدا نکردم، کار نداشتم، مسکن و سرپناه نداشتم، به خاطر تامین زندگی خانواده ام خواهیم خورد.

کار پیدا کرده و فوراً مشغول می شوند. آنها کسانی هستند که چون از حق و حقوق خود باخبر نیستند، و در این میان زنانی هم هستند که

یا از میزان واقعی دستمزد ها خبر ندارند، به هر پیشنهادی جواب مثبت می دهند. هدف آنها تنها مشغول شدن به کار و شغل و داشتن درآمد است. اما چه کاری؟ با چه دستمزد و یا چه شرایطی؟

اشتغال این گروه از زنان شاید از تعداد آمار افراد بیکار بکاهد و یا در ظاهر به نظر برسد که تعداد زنان شاغل افزایش یافته است اما زنانی که به خاطر محرومیت به هرکاری تن می دهند، اغلب دستمزد واقعی خود را نمی گیرند. در شرایط نامناسب و سخت کاری کنند و مورد آزارهای گوناگون قرار می گیرند.

، او را با دویچه هفت و پنج ساله رها کرده و سال ها پیش رفته است. لاله درباره زندگی خود می گوید: "لاله شوهر

مدت ها بود که می دونستم معتاد شده و می کشه. همچی پنهونی هم نبود. هفته اولی که خونه نیومد ، تعجب نکردم. شاد هم بودم «  
راسش رو بگم . بعد قضیه جدی شد. صاب خونه کرایه شو می خواست. من سبزی پاک می کردم که کمک خرج باشم . با دستمزد من،  
اجاره خونه رو نمی شد داد. سه ماه که کرایه عقب افتاد، صاب خونه گفت: یا پول میدی یا پرتت می کنم تو کوچو .

منم روم رو سفت کردم و گفتم : پول ندارم . کار ندارم. چه کنم ؟ کمکم کن کار گیر بیارم .دوتا بچه دارم، خدا رو خوش نمیداد .

صاحب خونه گفت: باشه به خاطر بچه هات حاضری هرکاری کنی؟

گفتم: آره . خیالت راحت.

گفت: می فرستمت کلفتی بالای شهر . اما باید دهنتم بسته باشه ها.

گفتم: رو چشمم. هرچی شما بگی.

اول برای آقاها بساط می چیدم. خدایی خوب انعام می دادن. بعد از کارم راضی شدن، به هم معرفیم کردن.

می گفتن: ثواب داره، لاله، دوتا بچه داره.

تا بالاخره صاحب خونه صداش دراومد.

گفت: یا هرچی پول گرفتی نصف میدی به من، یا من می دونم تو.

گفتم: چیکار می کنی؟ من که کرایه هامو می دم، دیگه چی می خوام؟

گفت: به همه بگم معتادی، دست کج بوده دیگه یک نفر هم بهت کار نمیده. نصف پول مال منه که کار پیدا می کنم.

دردسرت ندم. من مثل سگ شب ها تا صبح کار می کردم ، صاحب خونه کرایه و نصف پول منو می گرفت. تا محسن خان تو یکی از مهمونی های بالا شهری پیدا شد و بهم گفت: از پیش اون عوضی بیا بیرون. می زارمت توی سرویس بهداشتی زنونه. خیر ببینه . از اون «به بعد، دیگه اینجام. تو مستراح کار می کنم، اما دیگه سرم بالاست.

پایان قسمت اول

منابع :

قانون تامین زنان و کودکان بی سرپرست - (۱) مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی

<http://rc.majlis.ir/fa/law/show/92111>

« افزایش نرخ بیکاری زنان به ۴۶ درصد » - خبرگزاری مهر - بهشت ۳۹۳۱ (۲) ۷ اردی

<http://www.mehrnews.com/news/2279637>

«افزایش ۵.۲ برابری تعداد زنان سرپرست خانوار» - شنبه ۱۳ تیر ۳۹۳۱ (۳) سه

<http://www.mehrnews.com/news/2334933>

«پوشش یک میلیون سرپرست خانوار زیر چهل سال» - خبرگزاری ایسنا - (۴) ۲۱ آبان ۳۹۳۱

<http://isna.ir/fa/news/93080904391>

(۵) سازمان بهزیستی کشور

[www.behzisti.ir](http://www.behzisti.ir)